فصلنامه علمی تاریخ‌نامهٔ ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شمارهٔ بیست و پنج، زمستان ۹۹، صفحات ۸۹-۱۲۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۴/۱۰

# اندیشه و سیاست شهرسازی دورهٔ رضاشاه و تأثیر آن بر تحولات کالبدی تبریز

**عباس قدیمی قیداری**[۱]
**رضا محمدی**[۲]

## چکیده

جنبش تجددخواهی ایران با ناکامی مشروطیت، به حکومت مقتدر شبه‌مدرنِ رضاشاهی رضایت داد. ریشهٔ تفکر شهرسازی در عصر رضاشاه بر بنیاد اندیشهٔ مدرن غربی و بی‌توجهی به فرهنگ و سُنَن پایدار شهر ایرانی استوار بود. رضاشاه در نقش «فاوست» توسعه‌گر، با مقایسهٔ اوضاع نابسامانِ ایران و ممالک پیشرفته با نهادسازی‌های مقلدانه قدم در راه مدرنیزاسیون گذاشت. درحقیقت آنچه رضایت پادشاه را فراهم کرد توسعهٔ روبنایی شهرها در ایجاد فضاهایی چون خیابان، میادین، مراکز آموزشی، بهداشتی و صنعتی بود. بارزترین ویژگی شهرسازی دورهٔ رضاشاه، دخالت مستقیم دولت در نحوهٔ تغییر و توسعهٔ نظام کالبدی شهری بود. این امر ناشی از ساختِ قدرت مقتدر در نظام سیاسی حکومت پهلوی بود. قانون بلدیه مصوب ۱۳۰۹ش در مقایسه با قانون پیشین که در مجلس اول مشروطه تصویب شده بود ازنظر مشارکت مردم در ادارهٔ شهر، قانونی ضعیف به شمار می‌آید. طرح‌های نوسازی شهری با بخشنامه‌های وزارت داخله و متأثر از نحوهٔ نوسازی تهران به اجرا درآمد. برنامه‌های نوسازی شهری با مفاهیمی چون خیابان‌های صلیبی، الگوی قرن نوزدهم اروپا، منطقه‌بندی و فرسوده‌انگاری بافت کهن درهم آمیخته شد. مدعای اصلی پژوهش بر تغییرات کالبدی تبریز استوار است که بر اساس آن، خیابان‌های جانبی مهران‌رود (میدان‌چائی)، تربیت، پهلوی، فردوسی، شاه‌بختی، خاقانی و همچنین باغ گلستان، ساختمان شهرداری، توسعه شاه‌گولی، میدان‌ها (فلکه)، هتل و سینما احداث شدند. این مقاله با تکیه بر منابع دست اول، نشریات و اسناد تاریخی و به روش توصیفی‌تبیینی، بنیادِ فکری برنامهٔ شهرسازی ایرانِ عصرِ رضاشاه و تحولات فیزیکی شهر تبریز را بررسی و تحلیل می‌کند.

**واژگان کلیدی**: رضاشاه، شهر، تبریز، اندیشهٔ مدرن، سیاست شهرسازی، خیابان.

۱ – دانشیار دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) ghadimi@tabrizu.ac.ir
۲ – دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تبریز، تبریز، ایران reza.mohammadi8021@gmail.com

# *The Thought and Policy of Urban Planning of Reza Shah Period and its Effect on the Physical Developments of Tabriz*

Abbas Ghadimi Gheidari[1]
Reza Mohammadi[2]

## Abstract

With the failure of constitutionalism, the Iranian modernist movement consented to Reza Shahi's quasi-modern powerful government. The roots of urban planning thinking in the era of Reza Shah were based on modern Western thought and disregard for the enduring culture and traditions of the Iranian city. Reza Shah, in the role of the developer "Faust", took a step towards modernization by comparing the unsettled situation of Iran and developed countries with imitative institutions. In fact, what satisfied the king was the development of the superstructure of cities in creating spaces such as streets, squares, as well as educational, health and industrial centers. The most prominent feature of urban planning during the Reza Shah period was the direct intervention of the government in the way of changing and developing the physical urban system. This was due to the construction of a powerful power in the political system of the Pahlavi government. The municipality law passed in 1309 was a weak law in terms of people's participation in the city administration compared to the previous law that was approved in the first constitutional parliament. Urban renovation projects were implemented with the directives of the Ministry of Interior and influenced by the way Tehran was renovated. Urban renewal plans were intertwined with concepts such as cruciform streets, nineteenth-century European pattern, zoning, and the depiction of ancient texture. The main claim of this research is based on the physical changes of Tabriz, according to which, the side streets of Mehranrood (Chaee square), Tarbiyat, Pahlavi, Ferdowsi, Shahbakhti, Khaghani and also Golestan garden, municipal building, Shahgoli development, squares, hotel and cinema were built. Relying on first-hand sources, historical publications and documents, and using a descriptive-explanatory method, this article examines the intellectual foundation of the urban planning program of Reza Shah's era and analyzes the physical developments of Tabriz.

**Keywords**: Reza Shah, City, Tabriz, Modern Thought, Urban Planning Policy, Street.

1 . Associate Professor, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author) ghadimi@tabrizu.ac.ir
2 . PhD student in History, University of Tabriz, Tabriz, Iran reza.mohammadi8021@gmail.com

## مقدمه

شهر و مدرنیته لازم و ملزوم هم بوده‌اند. این ملازمت به قرن هفدهم میلادی بازمی‌گردد. خاستگاه و منزلگاه توسعهٔ مدرنیته، مراکز شهری مغرب‌زمین بوده است. سال‌های قبل از جنگ جهانی اول، تحولات ناشی از مدرنیته به ظهور جامعه‌ای نو منجر شد؛ جامعه‌ای که به انحاء مختلف در تمنای گونه‌های مختلف زندگی مدرن دچار تغییرات می‌شد. دولت‌ها تنها راه‌حل غلبه بر مشکلات و عقب‌ماندگی را در تحقق رؤیاهای حاکم جست‌وجو می‌کردند. این ایفای نقش دولت‌های جدید، به نقش «فاوست» در نمایش‌نامهٔ فلسفی گوته شباهت داشت. «دولت‌ها چون فاوست بر آن‌اند که هر آنچه را که متعلق به دوران گذشته است، برهم زنند و جهانی دیگر و نو برپا دارند» (جابری‌مقدم، ۱۳۸۴: ۱۰). بر اساس این‌گونه تفکرات بود که دولت نقش کلیدی در بازسازی یا دگرگونی‌های ساختاری شهرها را تحت‌عنوان سبک بین‌الملل بر عهده گرفت. منشأ تحولات شهری آن عصر به شرایط دوران مدرن مرتبط بود؛ به قول بِرمن، تماس مدرنیته با گذشته قطع شده و مدرنیته مستمراً با چنان سرعت سرسام‌آوری به‌سوی آینده پرتاب می‌شود که هرگز نمی‌تواند در جایی ریشه بدواند (برمن، ۱۳۹۲: ۴۱). دلیل نابودی محلات و بناهایی که قدمت تاریخی داشتند خواستِ نظام سرمایه‌داری مبتنی بر ذات مدرنیته بود که می‌خواست آنچه متعلق به گذشته است، تخریب شود.

دولت رضاشاه نیز با این اندیشه که شهرها را مدرن می‌کند نسبت به آثار باقیمانده از حکومت قاجار، روش سختگیرانه‌ای در پیش گرفت و به دلایلی بناها و خانه‌های تاریخی را از بین برد. با این گزاره، پرسش این است که آیا می‌توانیم تخریب آثارِ به‌جامانده از دوران گذشته در دورهٔ حکومت رضاشاه را در ارتباط با انقطاع مدرنیته با گذشته فرض کنیم؟ یا بالفرض این سیاستِ رضاشاه را به نابودی عامدانهٔ آثار گذشتگان و بالاخص عصر قاجار نسبت دهیم؟ هر شهر به‌سان انسان، موجودی زنده محسوب شده و دارای خاطره است و این خاطرات جمعی، هویت شهر را شکل می‌دهند. به سبب همین خاطرات، شهروندان نسبت به شهر احساس تعلق می‌کنند؛ اما با از میان رفتن این بناها و آثار تاریخی و بافت قدیمی محلات، شهروندان با گذشته و تمدن آن شهر قطع ارتباط می‌کنند و احساسِ تعلق

به میراث و هویت تاریخی شهر از بین می‌رود.

سؤال اصلی این پژوهش این است که تغییرات شهرسازی ایرانِ دورهٔ رضاشاه بر پایهٔ چه تفکر و سیاستی بوده و تبریز از این تحولات جدید کدام جنبه از نوسازی فیزیکی عناصر شهری را تجربه نمود؟ هدف مقاله شناختِ منشأ تفکراتی است که در دولت رضاشاه موجب تغییرات فیزیولوژیک در شهرهای ایران شد. همچنین بر آن است که کیفیت تحولات عناصر شهری تبریز را بر اثر سیاست آمرانه شهرسازی دولت، کشف و بررسی نماید. نکتهٔ قابل‌ذکر دربارهٔ پیشینهٔ تحقیق این است که رساله‌ای با عنوانِ «تأثیر تجدد در تحول شکل‌گیری فضاهای شهری ایران، مطالعهٔ موردی: فضاهای شهری تبریز در دورهٔ رضاشاه» کار شده است (ستارزاده، ۱۳۸۶). همچنین مقالهٔ «ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سدهٔ اخیر» (صفامنش و همکاران، ۱۳۷۶) و مقالهٔ «تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی- اسلامی؛ نمونه تبریز» (یزدانی، ۱۳۸۶) نوشته شده است. البته نویسندهٔ مقالهٔ اخیر مدل دتمان[۱] را برای تشریح شهرهای سنتی اسلامی به کار گرفته است. این تحقیقات به‌ویژه دو تحقیق اول، از اسناد، منابع تاریخی معتبر و روزنامه‌هایِ عصرِ رضاشاه که سیاست‌ها و برنامه‌های شهرسازی زمان او را بازتاب داده‌اند بی‌بهره مانده‌اند. اثر دیگر کتابی است به‌نام «بازخوانی نقشه‌های تاریخی تبریز» که فقط به ارائهٔ نقشهٔ فضاهای شهری دوره قاجار و توصیف آن‌ها پرداخته است (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵). از این اثر نمی‌توان اطلاعات جامع و دقیقی دربارهٔ کیفیت، تاریخ و تغییرات فضاها و عناصر شهری تبریزِ دورهٔ رضاشاه به دست آورد. تاکنون دربارهٔ تحولات کالبدی تبریز با تکیه بر مطبوعات آن دوره و اسناد دولتی، تحقیقی مستقل انجام نگرفته است. در این مقاله تلاش شده با روشِ توصیفی‌تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد دولتی (اسناد ریاست‌جمهوری، سازمان اسناد ملی و مرکز اسناد مجلس)، روزنامه‌های محلی، نقشه و عکس‌های تاریخی، تحولات شهرسازی و عمرانی تبریز در دورهٔ رضاشاه بررسی شده و تأثیرات سیاست‌های آمرانهٔ دولت بر آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

---

۱ – طبق طرح شماتیک این مدل، بازار و مسجد جامع به‌عنوان قلب شهر و حصار اطراف شهر با دروازه‌هایش عناصر شهری را در بر گرفته است. در این مدل، در بیرون از برج و بارو، گورستان‌ها جای گرفته و قلعه دفاعی به حصار شهر متصل است (بنگرید به اهلرز، اکارت، شهر شرق اسلامی مدل و واقعیت).

## ۱- بافت قدیم شهر تبریز

طبق نقشهٔ دارالسلطنهٔ تبریز (قراجه‌داغی) که به امر ولیعهد مظفرالدین‌میرزا در سال ۱۲۹۷ق ترسیم شده بود؛ شهر از عناصر و فضاهای مختلفی همچون محلات، بازار، ارک سرکاری و علی‌شاهی، حرمخانه و قراولخانه، خانه‌ها، قبرستان‌ها، مساجد و کلیساها، میادین و مدارس، خزینه‌ها، مقابر، کاروانسراها و کارخانه‌ها، باغ‌ها، آسیاب‌ها و قنات‌ها، دروازه‌ها و مزارع اطراف شهر تشکیل شده بود (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۴). اطراف شهر با دیواری مرتفع و خندقی عمیق محصور شده بود. خانه‌های شهر دارای یک طبقه و از گِل خشت خام بودند. دیوارهای منازل را به گونه‌ای ساخته بودند که درون خانه از بیرون قابل‌مشاهده نبود. راه‌های صعب‌العبور با کوچه‌های تنگ و کج، رفت‌وآمد را سخت کرده بود (اعتمادالسطنه، ۱۳۶۷، ۱: ۵۵۲-۶۰۶). در دورهٔ مظفرالدین‌شاه و در دورهٔ ولیعهدی محمدعلی میرزا، در کنار بازار سنتی شهر، مجیدالملک بازار جدیدی در نزدیکی قاری کورپوسی (پل پیرزن) بین بازار قدیمی و کوی ششگلان بنا نمود. این بازار جدید خیابان بزرگی بود که در دو طرف آن مغازه‌هایی به سبک فرنگستان به شکل تحتانی و فوقانی احداث گردید که هر عصر محل تفرج عمومی اقشار مختلف بود (نظام مافی، ۱۳۶۱، ۳: ۳۸۰). این کوی با مغازه‌های مملو از کالاهای بازرگانی همواره مورد طمع دشمنان مشروطه بود. چون در دوره مشروطه باقرخان و مجاهدان محله خیابان و نوبر با سنگربندی، مغازه‌های مجیدالملک را محافظت می‌کردند. کسروی از تاراج این مغازه‌ها توسط سواران قره‌داغ و مرند خبر داده است (کسروی، ۱۳۸۱: ۷۰۲-۷۳۳). قاسم‌خان امیرتومان (والی) رئیس بلدیه قبل از آغاز مشروطه در حوالی این مغازه‌ها، چراغ برق نصب کرده بود. با گذشت زمان در سال ۱۳۷۵ش با تخریب مغازه‌ها، مسجد امیرالمؤمنین بنا گردید.

به نوشته کرزن تبریز در دوران قاجار دارای دو بنای کهن بود: مسجد کبود که کاشی‌کاری فیروزه‌ای بسیار ممتازی داشت و ارگ که عباس‌میرزا آن را به زرادخانه مبدل ساخت. ارتفاع خانه‌ها کوتاه و کوچه‌ها باریک و کثیف بود و اهمیت شهر بیشتر به‌واسطه وسعت و میزان کسب و تجارت آن شهر بود (کرزن، ۱۳۸۰، ۱: ۶۶۵-۶۶۶). شبکهٔ ارتباطی قدیم تبریز همانند بیشتر شهرهای سنتی، تحت تأثیر واقعیات محیطی، اجتماعی، اقتصادی و

امنیتی به شکل اندام‌واره‌ای و با مسیرهای نسبتاً کم‌عرض و غیرهندسی شکل گرفته بود و نظم عملکردی بر نظم شکلی غلبه داشت. به‌طورکلی با کنکاش در نقشهٔ ارتباطی شهر تبریز می‌توان بافتِ نسبتاً شعاعی با راسته‌های اصلی، راسته‌محله‌ها و گذرهای فرعی و بن‌بست را تشخیص داد (محمدزاده، ۱۳۹۴: ۸۸). راسته‌های اصلی از یک دروازهٔ شهر شروع و به یک دروازهٔ دیگر آن ختم می‌شد. پشت اغلب دروازه‌ها بازارچه‌هایی ساخته شده بود که بعضی از آن‌ها به بازار مرکزی شهر متصل بودند. از جملهٔ این‌ها می‌توان بازارچه‌های درب باغمیشه، سرخاب، درب استانبول، شتربان (دوه‌چی)، درب گجیل و رنگی خیابان (رهلی بازار) را نام برد. در تقاطع چند راسته، فضای مرکز محله یا میدانچهٔ محله با خدمات عمومی مانند مسجد، تکیه، حسینیه، گرمابه، زورخانه، قهوه‌خانه و مغازه‌های نانوایی و قصابی شکل گرفته بود (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۶). وضعیت تبریز قبل از نوسازی‌های شهری دورهٔ رضاشاه چندان مساعد نبود؛ به‌طوری‌که طغیان رودخانهٔ میدان‌چایی (مهران‌رود) در فصول پربارش برای ساکنین اطراف آن مشکلاتی به بار می‌آورد. کوچه‌ها پر از خاک‌روبه و کثافات بود. مردم از نبودِ آب و روشنایی در مضیقه بودند. شستن لباس‌ها در کنار جوی‌ها علاوه بر به خطر انداختن سلامتی، صحنه‌های ناخوشایندی را پدید می‌آورد (تبریز، ش۱۸، س۱۷، ۱۳۰۵/۶/۵، ۳).

## ۲- شهرسازی دورهٔ رضاشاه

### ۲-۱ - اندیشهٔ شبه‌مدرن

آنچه به نام مدرنیته در عرصهٔ شهر مدرن در کشورهای پیشرفته رخ داده، واقعیتی مبتنی بر منابع غنی فکری در حوزهٔ اندیشه غرب است که بر اساس احساس نیاز عمومی شکل گرفته و قالبی درونی یافته است؛ اما در کشورهای توسعه‌نیافته، شهر مدرن بر اساس خواستِ حاکم و رؤیاهای وی شکل می‌گیرد. «مدرنیسم مبتنی بر توسعه‌نیافتگی به‌ناچار باید جهان خود را بر پایهٔ خیالات و رؤیاهای مدرنیته بر پا سازد و خود را با تداخل و تقرب به سراب‌ها و اشباح تغذیه کند. این مدرنیسم برای صادق ماندن نسبت به حیاتی که منشأ آن بوده است، به‌ناچار باید خشن و خام، شکل‌نایافته، و آمیخته به جیغ و جنجال باشد» (برمن،

۱۳۹۲: ۲۸۴). به عبارتی ساده‌تر، نوسازی شهری[۱] در این نوع کشورها بدون زمینهٔ فکری مردم، به‌صورت شتاب‌زده و در ظاهر نهادها و مؤسسات جدید انجام می‌گیرد. شهر به‌عنوان خاستگاه مدرنیته، آیینهٔ تمام‌نمای آن هم است. از ابتدای قرن بیستم و هم‌زمان با جنبش مشروطه، ورود ایران به فضای صنعت و سرمایه‌گذاری بیش و پیش از هر کجا خود را در عرصهٔ شهر نشان داد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۳۹۹). «اگر این قول آنتونی گیدنز را قبول داشته باشیم که مدنیت نوین شامل دو بُعد انقلاب صنعتی و انقلاب مدنی است؛ در ایران با انقلاب مشروطه رجوع به تجدد[۲] یا جدید اندیشیدن و فراهم آوردن مبانی نظری و نهادهای سیاسی جامعه مدنی، زودتر از جدید شدن[۳] یا رشد صنعت و توسعهٔ شهری به وقوع پیوست» (اطهاری، ۱۳۷۶: ۴۳). بعد از کودتای ۱۲۹۹، رضاشاه با تأکید بر سکولاریسم و ناسیونالیسم به تمرکزگرایی اداری، مدرن‌سازی نظامی و توسعهٔ بروکراتیک دست یازید. همچنین بر اجرای برنامه‌های بازسازی شهرها، شبکهٔ حمل‌ونقل جدید، بازار ملی و ادغام محلات اصرار ورزید (Madanipour ،۲۰۰۶: ۴۳۳). برای نخستین بار در تاریخِ شهرنشینی کشور، دولت بر آن شد که چهره و سازمان شهر را دگرگون سازد. اجرای این برنامه بیشتر شامل توسعهٔ ماشین‌آلات، بناهای جدید، ادارات، وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها، قوانین جدید شهری، توسعهٔ خیابان‌ها و... همچنین تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود که آن نه فقط در تهران بلکه در سایر شهرهای ایران نیز صورت گرفت (Ziari, 2006: 414). البته باید تأکید کنیم که در حکومت رضاشاه، تهران به‌عنوان نقطهٔ اصلی دگرگونی و اشاعهٔ مفاهیم جدید مدّ نظر بود. تغییرات در بافت‌وساخت کالبدی فضائی شهر در دستور کار مجریان امر قرار گرفت و شهر به نماد پیشرفت و نو شدن تبدیل شد. شکل‌گیری فضاهای شهری و معماری جدید، نمایانگر ارزش‌های ایدئولوژیک عصر پهلوی محسوب می‌شدند. بافت سنتی و کوچه‌های پیچ‌درپیچِ شهرها دستخوش تحولات عمده شده و تعدادی از بناهای قدیمی و تاریخی که نماد پایداری سنت شهرنشینی ایرانی بود، از بین رفتند. این نوسازی‌ها به هویت تاریخی و سازمان شهری آسیب زده و در روال توسعهٔ طبیعی و سنتی شهرهای ایران تغییراتی به‌وجود

۱ Modernization of city
۲ Modernity
۳ Modernization

آورد و زمینه را برای توسعهٔ ناموزون فراهم ساخت. به‌نظر می‌رسد اقدامات بلدیه‌های دوران رضاشاه از عملکرد اوژن هوسمان فرانسوی که در دورهٔ ناصرالدین‌شاه، شهردار پاریس بوده، اقتباس شده باشد. برخی ویژگی‌های مهم در شهرسازی هوسمان[۱] بدین قرار بود: احداث خیابانی اصلی در امتداد ایستگاه راه‌آهن شهر، احداث خیابان‌ها و بولوارها به‌جای دیوارهای دفاعی شهرِ کهن، متحدالشکل کردن نمای ابنیه در پاریس، تخریب محلات قدیمی کارگرنشین و ایجاد فضاهای باز بیشتر در اطراف ابنیهٔ حکومتی (جابری مقدم، ۱۳۸۴: ۱۶۹). ازنظر شهرشناسان این تغییراتِ هوسمانی با هدف کنترل و سرکوب معترضان و انقلابیون شهری انجام گرفت (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۹۴). این ایده خواه‌ناخواه مورد استقبال دیگر حکومت‌های مستبد قرار گرفت.

مسئولیت اجرای طرح‌های شهری در حکومت رضاشاه به نظامیان و یا افراد غیرمتخصص سپرده شد که به‌عنوان شهردار فعالیت می‌کردند. این افراد بلدیه را بر اساس نظام تصمیم‌گیری متمرکز و از بالا به پایین اداره می‌کردند. البته برای انجام طرح‌های شهری در «اکتبر ۱۹۲۲ [مهر ۱۳۰۱] شهرداری تهران یک مشاور و یک مهندس برنامه‌ریزی شهری آمریکایی استخدام کرد» (banani,1961: 60). در همین راستا وزارت داخله، مسیو دانزوف را به‌عنوان مهندس شهرداری تبریز معرفی کرد و طراحی و اجرای برنامه‌ها را به وی سپرد (ساکما،[۲] ۹۵/۳۳۹/۶۴۵: ۱۳۱۳).

## ۲-۲- قوانین توسعه و احداث معابر

تغییرات سیاسی و اجتماعی‌ای که بر اثر کودتای ۱۲۹۹ در جامعهٔ ایران رخ داد بر نحوهٔ شهرسازی آن دوران نیز مؤثر واقع شد. از میان عوامل مؤثر در تعیین شکل شهر، باید به ساختِ قدرت مستقر اشاره نمود. برای گریز از نظامِ ایل‌محور قاجار، ضروری بود که نظامی متمرکزِ مقتدر تشکیل شود. دولت کودتا با اصلاحات نظامی و اداری سعی نمود اقتدار خود را در عرصهٔ شهر به جامعه نشان دهد. به‌همین منظور بلدیهٔ تهران به‌سال ۱۳۰۰ توسط سیدضیا در شمال میدان توپخانه شکل گرفت. وی قوانین مختلفی در مورد رعایت نظافت

۱ Haussmannisation

۲ – سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

مغازه‌ها و معابر عمومی، تأمین روشنایی، نحوهٔ رفت‌وآمد وسایل نقلیه و جرائم خاطیانِ مقررات جدید بلدیه اعلام نمود. برای مأموران ناظر بر اجرای آن هم لباس آژانی (پلیس) ترتیب داد (شهری، ۱۳۷۸، ۵: ۳۴۰). این نهاد دارای ادارات مختلف صحیه، خیریه، تفتیش، احصائیه، سجل احوال و نشریات، محاسبات و عواید بلدی، ساختمان، تنظیف، میاه و روشنایی، کابینه، پرسنل، ملزومات و اجرای بلدی و رسومات بود که ضرورت و اهمیت تشکیل آن را نمایان می‌کرد (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۶، ۲: ۱۳۶). چهار سال بعد قانون بلدیه در ۷۰ ماده از تصویب مجلس گذشت و تشکیلات آن تکمیل شد. به‌سال ۱۳۰۷ طی تغییراتی، بخش‌های پست‌امدادی، مریضخانه، تیمارستان و آتش‌نشانی در بلدیه تأسیس شد (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۹۰). سرانجام قانون دیگری در خرداد ۱۳۰۹ با نام نظامنامهٔ بلدیه، وظایف و مسئولیت‌های شهرداری را مشخص کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ۲: ۱۳۴). در بند نخستِ اولین اعلان بلدیهٔ تهران، بر اصلاح خیابان‌ها و کوچه‌های کج‌ومعوج و لزوم نظارت مهندسان رسمی بلدیه بر احداث ساختمان، و در بند دوم بر لزوم باز شدن دربِ مغازه‌ها به داخل تأکید شده بود (ساکما، ۲– ۸۱۰۰۴). همچنین بلدیه در مهرماه ۱۳۰۷ اعلام کرد باید جلوی همهٔ دکان‌ها، درب و پنجرهٔ شیشه‌ای نصب شود. این امر در تغییر سیمای خیابان تأثیری اساسی داشت؛ زیرا کالاها و فضای داخل مغازه قابل‌رؤیت بود و خیابان را زنده‌تر می‌کرد (صفامنش و منادی زاده، ۱۳۷۸، ۲: ۲۵۶). وزارت داخلهٔ حکومت رضاشاه برای یکسان عمل‌کردن در حوزهٔ شهرسازی به سال ۱۳۱۲ بخشنامه‌ای صادر کرد که کلیهٔ امور فنی و شهرسازی شهرهای ایران زیر نظر مهندسین مجرب پایتخت و با یک برنامه انجام گیرد (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۹۷). این امر بدون توجه به ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی متفاوت شهرها اجرا شد.

با اجرای طرح‌های شهری، شکل و کالبد بافت قدیمی آن‌ها دگرگون شد؛ به گونه‌ای که خیابان‌های پهن و مستقیم جایگزین کوچه‌های تنگ و پرپیچ‌وخم شدند. خیابان‌های جدید با جای دادن بناهای ادارات دولتی در طرفین خود، معماری تازه‌ای را به نمایش گذاردند. در سال ۱۳۰۷ طرح و نقشه برای شکل‌گیری تهران جدید تهیه شد. این طرح مبنای تمام خیابان‌کشی‌ها و بسیاری طرح‌های شهری ازجمله پارک‌ها، بولوارها، سایت‌های خاص برای ساختمان‌های دولتی، خیابان‌های درخت‌کاری‌شدهٔ عریض و طولانی و موقعیت ایستگاه

راه‌آهن شد. در این نقشه، از الگوهای شهرسازی رایج در قرون ۱۹ و اوایل ۲۰ اروپا استفاده شده است. در همین زمان اولین مجموعه قوانین و مقررات نماسازی شهری تدوین شد (صفامنش و همکار، ۱۳۷۸، ۲: ۲۵۴). البته حبیبی تهیه اولین نقشهٔ تهران را با نام «نقشهٔ خیابان‌ها» به‌سال ۱۳۰۹می‌داند. به نظر وی تصویب قانون بلدیهٔ سالِ ۱۳۰۹ محملی برای مداخلات سنگین در بافت‌های کهن شهری را فراهم آورد. از این سال به بعد، خیابان به‌عنوان عنصر مسلط و قدرتمند در درون شهر مطرح شد (حبیبی، ۱۳۹۰: ۳۰). تعریض خیابان‌ها و انجام دیگر طرح‌های اساسی در زمینه بهسازی شهری نیازمند بودجهٔ منظم و کافی بود ازاین‌رو از مهرماه ۱۳۰۳ قانون عوارض بر وسایل نقلیه شهری تصویب شد. به‌سال ۱۳۰۹ نیز تصویب قانون مالیات بر مستغلات و افزایش مالیات وسایل نقلیه موجب ازدیاد درآمد بلدیه‌ها شد (صفامنش و همکار، ۱۳۷۸، ۲: ۲۶۲). در همین سال اخیر، وزارت داخله یکی از وظایف بلدیه‌ها را توسعهٔ معابر دانست. تعیین مسیر، طول و عرض و تعیین قیمت مکان‌هایی که جزو خیابان می‌شد ازجمله نکاتی بود که شهرداری‌ها باید در ساختِ خیابان‌ها رعایت می‌کردند (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). این دستورالعمل بیشتر بر تعریض و توسعهٔ معابر تأکید داشت و دربارهٔ کاربری‌های اراضی و تأسیسات و تجهیزات شهری و سایر مسائل مرتبط ساکت بود. به‌نظر می‌رسد تصویب قانون تعریض و توسعهٔ معابر و خیابان‌ها در ۱۳۱۲ را باید به‌عنوان نخستین گامِ پیروی از اسلوب شهرسازی هوسمان فرض کرد.

برپایی مغازه‌ها در خیابان‌های جدید، احداث ساختمان‌های دوطبقه در اطراف میدان‌های اصلی که توسط دفاتر عمومی مثل تشکیلات اداری شهر، بانک و پلیس و... اختیار می‌شد، ازجمله تغییراتی بود که بعد از قانون اخیر به مجموعه تحولات شهری افزوده شد (255: Ehlers & Floor, 2007). اقدامات تخریبی، تسطیحی و تعریضی در آغاز با سرعت و جدیت شروع شد. در این عرصه، آثار و بناهای تاریخی مثل بازار و اطراف آن و بافت کهن شهر شامل تغییرات گسترده شد. با این‌که وزارت داخله برای جلوگیری از این اتفاقات، بخشنامه کرده بود که مطابق مادهٔ ۶ قانون، تخریب ابنیهٔ قدیمی و آثار ملی تاریخی ممنوع است (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). بااین‌حال «رضاشاه به‌عنوان حامی بزرگ نوسازی شهری، ساختمان‌های قدیمی را از بین برد... وی برای پاکسازی گذشتهٔ قاجاری، حدود دوهزار تصویر از مناظر شهری را به بهانهٔ تحقیرآمیز بودن آنان، از بین برد» (آبراهامیان، ۱۳۸۹:

.(۱۶۶

### ۲-۳- انجمن و اداره بلدیه

یکی از نهادهای مؤثر در ادارهٔ شهر، انجمن‌های بلدی بودند که با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در خرداد ۱۲۸۶ توسط نمایندگان مجلس اول شورای ملی تأسیس شدند. طبق مادهٔ ۹۴ قانون بلدیه، ادارهٔ بلدیه مکلف بود که مطابق دستورالعمل‌های انجمن، امور شهر را اداره نماید و پیوسته در صدد فراهم نمودن اصلاح وضع شهر باشد (کتابچهٔ قانون بلدیه، ۱۳۲۵: ۱۹). تبریز یکی از معدود شهرهایی بود که به‌خاطر موقعیت جغرافیایی، وجود افراد آگاه به حقوق شهروندی و مخالف سیاست‌های حکومت موفق شد در ذی‌قعده ۱۳۲۵ انجمن بلدی را تشکیل دهد (انجمن تبریز، دورهٔ اول، ش۲، ۳). اجرای این قانون از سال ۱۲۸۸به علت عدم همکاری والیان و یا عدم تخصیص بودجه، کارآمدی لازم را نداشت. قانون بلدیه با ترجمه و اقتباس از قوانین شهرداری‌های فرانسه و بلژیک دارای ۱۰۸ ماده بود. در ماده اول آن، مقصود اصلی تأسیس بلدیه، حفظ منافع شهرها و ایفای حوائج اهالی شهرنشین عنوان شده بود (هاشمی، ۱۳۴۵: ۲). در اردیبهشت ۱۳۰۹ قانون جدیدی مشتمل بر ۸ ماده به تصویب مجلس شورای ملّی رسید. بر طبق آن، رؤسای بلدیه از طرف وزارت داخله تعیین می‌شدند. انجمن بلدی هر شهر فقط از نمایندگان طبقات «تجار و اصناف و مالکین» آن بود. دوره وکالت اعضای انجمن دو سال بود و در مرکز ایالات و ولایاتِ درجه‌اول مثل تبریز، ۹ نفر انتخاب می‌شدند. انجمن‌های بلدی مجاز بودند برای تأمین مصارف بلدی راجع به تنظیفات، روشنایی، تعمیرات، احتیاجات صحّی، معارف و امثال آن عوارض محلی وضع نمایند (مختاری، ۱۳۸۰، ۲: ۸۶۴؛ تبریز، ش۲۹، س۲۱، ۱۳۰۹/۳/۲۵، ۱). همان‌گونه که ذکر شد طبق قانون ۱۳۰۹ رئیس بلدیه یا شهردار از سوی وزارت داخله معرفی می‌شد. همین نکته در عرایض کسبه بازار به نمایندگان مجلس آمده که بهتر است رئیس بلدیه با رأی قطعی انجمن بلدی و فرمان پادشاه انتخاب شده، و تحت نظر قوهٔ مجریه مخصوصاً وزارت داخله اداره نشود (اطلاعات، ش۱۰۷، س ۱، ۱۳۰۵/۹/۲۸، ۲). به‌نظر بازاریان، دخالت دولت در امور شهرها به استقلال رأی نمایندگان انجمن لطمه می‌زد.

برای بررسی انجمن و وظایف آن نگاهی کوتاه به انتخابات انجمن بلدیه تبریز ضروری

می‌نماید. اولین دوره این انتخابات تیرماه ۱۳۰۹ برگزار و حائزین اکثریت آرا به این شرح مشخص شدند: نخجوانی، صدقیانی، خرازی، بادامچی، واعظ، بافته، اصفهانی، مجتهدی (تبریز، ش۴۸، س۱۷، ۱۳۰۹/۴/۲۱، ۱). در دومین دوره، وزارت داخله از میان حائزین اکثریت آرا، ۹ نفر را به‌عنوان اعضای انجمن معرفی نمود: عدل، نظام‌الدوله، وهاب‌زاده، فخر ادهمی، مجتهدی، اصفهانی، مرآت‌السلطنه، امین، خرازی (سهند، ش۹۱-۶۵۲، س۶، ۱۳۱۱،۱/۶/۷). در سومین دورهٔ انتخابات افرادی چون بیت‌الله، اهرابی، امین، بافته، خویی، عدل‌الملک، کلکته‌چی، مجتهدی و اتحاد به عضویت انجمن انتخاب شدند (تبریز، ش۶۳، س۲۵، ۱۳۱۳/۶/۱۵، ۱). انجمن بلدیه تبریز در باب ادارهٔ شهر، وظایفی ازجمله تنظیم نرخ ارزاق، مرمت کوچه‌ها و خیابان‌ها، اقدامات بهداشتی و درمانی را بر عهدهٔ شهرداری نهاده بود. علاوه براین انجمن شهر، اختیار وضع عوارض و مالیات را داشت و مقرر کرد که بودجهٔ شهرداری از عوارضِ مستغلات، دکاکین، خانه‌های مسکونی، رسومات، کارخانجات، کافه و رستوران‌ها، کشتارگاه و گاراژها تأمین گردد (ساکما، ۲۴۰۰۳۰۰۵۷: ۱۳۱۵). با این‌حال بودجه بلدیه تکافوی مخارجی از قبیل تأمین روشنایی، تنظیف، تسطیح، تعریض، شن‌ریزی و سنگفرش نمودن معابر، اجارهٔ قنوات، ساختن پل بر رودخانه و دیوارکشی جوانب آن را نمی‌کرد. در این راستا بلدیه برای بازسازی معابر عمومی و لوله‌کشی آب، مناقصه ترتیب می‌داد تا پیمانکاران با کمترین قیمت به انجامِ قرارداد بپردازند (ساکما، ۴۴۴۰ /۲۹۰: ۱۳۱۶). کمبود بودجه موجب طولانی شدن نوسازی شهر و یا نیمه‌تمام ماندن پروژه‌ها می‌شد. علی منصور استاندار آذربایجان، از اعتبار سالیانه (۸۰هزار تومان) بلدیهٔ تبریز انتقاد کرده و علت عدم حصول نتایج مناسب از اقدامات شهری را کمبود اعتبار دانست و خواستار افزایش بودجه بلدیه شد (مارجا[1] ۱-۴۲۱۶: ۱۳۰۷). برای افزایش قدرت اجرایی و گسترش فعالیت‌های شهرداری، و با پیشنهاد نمایندگان آذربایجان دولت مجاز شد که زمین قرارگاه‌های قدیمی و یازده باب قراولخانهٔ مخروبهٔ متعلق به وزارت جنگ را در تبریز به بلدیه واگذار نماید تا مؤسسات عام‌المنفعه مثل رختشوی‌خانه، باغچه و مریض‌خانه احداث نماید. همچنین سربازخانه اطراف ارگ تبریز برای ایجاد خیابان و باغ ملی در اختیار بلدیه نهاده شد (ساکما، ۲۳۰/۱۵۷۲۰: ۱۳۰۴؛ اطلاعات، س۲، ش۳۹۳، ۱۳۰۶/۱۰/۷، ۲).

۱ - مرکز اسناد ریاست‌جمهوری

## ۳- نوسازی شهری تبریز

شهر ترکیبی است از فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی که به گونه‌ای پیچیده در یکدیگر تداخل یافته‌اند. فضاهای خصوصی در فاصله‌ای اندک از فضاهای عمومی قرار گرفته‌اند و به این ترتیب افراد می‌توانند به‌سرعت در این فضاها، جابه‌جا شوند. فضاهای شهری را از نظر کارکردی می‌توان به چهار حوزه تقسیم کرد که طبعاً با یکدیگر روابطی پویا دارند: مسکونی، کاری، اوقات فراغت و حمل‌ونقلی (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲۴۴). تبریز در دورهٔ رضاشاه دارای فضاها و عناصر کالبدیِ شهری متعددی بود که هریک در شرایط خاصی به وجود آمده و یا دچار نوسازی شدند. در این بخش، تحولات کالبدیِ مهم‌ترینِ این عناصر و نهادهای شهری را بررسی خواهیم نمود.

### ۳-۱- عمارت‌های حکومتی

مجموعه بناهای حکومتی تبریز دورهٔ قاجار شامل حرمخانه، دیوانخانه، توپخانه، گمرک‌خانه، تلگرافخانه، جبه‌خانه و فضاهای جانبی بود. در محل کاخ استانداری فعلی، ساختمان چهارطبقه‌ای به شکل عمارت کلاه‌فرنگی وجود داشت که احداث آن را به نجفقلی دنبلی نسبت داده و نوشته‌اند که در آن زمان عمارت مزبور را درب اعلی می‌خواندند. گویا در زمان عباس‌میرزا از این بنا به‌عنوان عمارت حکومتی استفاده شده و آن را به همین مناسبت عالی‌قاپو نامیده و پس از مدتی، شمس‌العماره خواندند. در دورهٔ رضاشاه نیز از این ساختمان به‌عنوان عمارت حکومتی استفاده شد، تااین‌که سال ۱۳۱۲در زمان استانداری سمیعی، کلاه‌فرنگی و قسمتی از طبقهٔ فوقانی آن که شاهکاری از معماری دورهٔ قاجار بود، در اثر آتش سوزی ویران شد. باقیماندهٔ ساختمان نیز به‌سال ۱۳۲۶ تخریب و در جای آن عمارت کاخ استانداری فعلی بنا گردید (مشکور، ۱۳۵۲: ۲۶۸). در باقیمانده اراضی حکومتی، ساختمان‌های بانک ملی و اداره دارایی احداث شد.

در مجموعه باغشمال که زمان بنای آن به حکومت سلطان‌یعقوب پسر اوزون‌حسن برمی‌گردد، عباس‌میرزا ضمن مرمت بخش‌هایی از آن، بناهای متعددی نیز ساخت و در آبادانی آن کوشید. این باغ را «باغ شاهزاده»، (شازدا باغی) و «قوم باغی» (باغ شن‌زار) نیز می‌گفتند (نادرمیرزا، ۱۳۷۳: ۵۲۷ و ۵۶۵؛ جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷: ۱۸۸). اعتمادالسطنه به

عظمت باغشمال و شکوه عمارت کلاه‌فرنگی اشاره کرده (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱: ۵۵۶) و نادرمیرزا سبک معماری ابنیهٔ آن را از نوع بناهای چین دانسته است (نادرمیرزا، ۱۳۷۳: ۲۳۷). عمارت‌های اعتضادیه، صادق همایون، کلاه‌فرنگی ازجمله بناهای باغشمال بودند که به مرور زمان از بین رفتند (پورحسین، ۱۳۹۳: ۱۲۰و۱۲۱). اوژن اوبن که طی سال‌های ۱۲۸۵–۱۲۸۶ش به ایران سفرکرده بود دربارهٔ این باغ و سردرِ زیبای آن که توسط معمار ولیعهد محمدعلی‌میرزا طراحی و بنا گردیده می‌نویسد: «تابستان‌ها دم‌ودستگاه ولیعهد به باغشمال که کمی دور از شهر واقع شده، نقل‌مکان می‌کنند... اطراف خیابان‌ها یک‌دست درختان تبریزی و داخل باغچه‌ها سراسر گلکاری است. در پشت ساختمانی که بیرونی را به اندرونی متصل می‌کند، یک حیاط داخلی و در انتهای آن، بنای کلاه‌فرنگی چهارطبقه‌ای احداث شده است» (اوبن، ۱۳۹۱: ۷۳). این باغ در زمان محمدعلی‌میرزا به پایگاه سربازان دولتی و به سال‌های ۱۲۹۰–۱۲۸۹ش به قرارگاه قشون تزاری بدل شد (ویلبر، ۱۳۴۸: ۲۴۶). باغشمال تا اواخر دورهٔ قاجار آباد و در اختیار شاهزاده‌های قاجاری بود و از آن به‌عنوان وسیع‌ترین باغ تاریخی شهر در برگزاری جشن‌ها و مراسم درباری استفاده می‌شد. تااین‌که در اواخر دورهٔ قاجار، برای اولین بار به یک عرصهٔ عمومی شهری و تفرجگاه مردم مبدل شد. به خاطر مرکزیت باغشمال در سال ۱۳۰۴ تلگراف بی‌سیم تبریز در آنجا نصب و دایر شد (تبریز، ش۲۳، س۱۶، ۴ /۱۳۰۴/۷، ۳). در زمانی که ریاست بلدیه به عهدهٔ محمدعلی تربیت بود، عمارات حکومتی باغشمال تخریب شد. عرصهٔ آن را قسمت‌بندی کرده و به فروش رساندند. به این ترتیب قسمتی از آن اراضی به تصرف مردم درآمد و در آن زمین‌ها منازل مسکونی بنا کردند و قسمت بائر و باقی آن جزء اراضی متروکه قرار گرفت. سپس قسمتی از آن را به زمین بازی ورزشکاران (استادیوم باغ‌شمال) اختصاص دادند و از آن باغ مصفّا و ابنیهٔ باشکوه آن چیزی باقی نماند (تبریز، ش۱۷۰، س۲۰، ۷ /۱۳۰۸/۱۰، ۳).

عمارت دیگری که در دورهٔ رضاشاه تغییراتی در آن رخ داد عمارت شاه‌گؤلی بود. این اثر در عصر قاجار به‌دست قهرمان‌میرزا پسر عباس‌میرزا مرمت و عمارت دوطبقه‌ای در میان آن بنا شد. گویا وی می‌خواست از این مجموعه به‌عنوان کاخ ییلاقی خود استفاده کند اما پیش از اتمام تزئینات آن فوت کرد و فرزندانش آن را بدیُمن دانسته و رها کردند تا به شکل بنایی متروکه درآمد (کارنگ، ۱۳۵۱: ۱۴۵). عمارت و باغ شاه‌گؤلی تا سال ۱۳۰۹ش به همان

شکل باقی ماند تا این‌که استخر آن توسط بلدیه تعمیر و به گردشگاه عمومی تبدیل شد (اطلاعات، ش۱۳۴۴، س۱۶،۳/۳/۵،۱۳۱۰). در ادامهٔ این اقدامات، بلدیه جادهٔ شاه‌گؤلی را تسطیح و اطراف آن را درختکاری نمود (تبریز، ش۱۴، س۱۰،۱۳۱۲/۲/۲۴، ۲). با ساماندهی و بهسازی شرایط استفاده از شاه‌گؤلی، بیشتر اوقات فراغت مردم در آن تفرجگاه سپری می‌شد.

### ۳-۲- بازار سرپوشیده

بازار تبریز شریان تجاری مهمی بود که هم‌زمان نقش اجتماعی و سیاسی را در کنار نقش اقتصادی ایفا می‌کرد. به دلیل موقعیت مناسب شهر و قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری بخش مهمی از اشتغال مردم به تولید صنایع دستی، بازرگانی و دادوستد اختصاص داشت. شاردن از وجود ۱۵هزار دکان و بازارچه جدا از محله‌های مسکونی در دوره صفوی گزارش می‌دهد (شاردن، ۱۳۷۴، ۲: ۴۷۶). بازار تبریز از دورهٔ قاجار نیز از رونق برخوردار بود. بیشتر سراها، تیمچه‌ها و راسته‌های آن در این عصر ساخته شده است. تعداد کاروانسراها و تیمچه‌ها را ۴۵ باب و دکان‌ها را پنج‌هزار باب دانسته‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱: ۵۵۳). علاوه بر وجود کاروانسراها (سرا)، تیمچه‌ها و راسته‌ها در بازار تبریز مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌ها و سایر مکان‌های عمومی و تجاری نیز وجود داشت. هرکدام از این بخش‌ها به یک حرفه یا صنف و یا عرضهٔ یک کالای خاص اختصاص داشت. روند سریع شهرنشینی و توجه رضاشاه به نوسازی شهرها موجب شد تغییرات قابل‌توجهی در بافت سنتی اتفاق بیفتد. یکی از این مکان‌ها بازار سرپوشیده تبریز بود. با احداث دو خیابان متقاطع، تحولات جدیدی در حوزهٔ کالبدی جنوب بازار تبریز رخ داد. به سال ۱۳۰۵ احداث خیابان فردوسی از مقابل ارگ علیشاه به‌طرف بازار شروع شد. امتداد یافتن خیابان فردوسی به‌سمت شمال، محدوده‌ای از بخش جنوبی بازار را از بین برد و اگر مخالفت و اعتراض بازاریان صورت نمی‌گرفت و امتداد خیابان فردوسی از درون بازار می‌گذشت آن را هم به دو بخش مجزا تقسیم می‌کرد. در سال ۱۳۱۰نیز با احداث خیابان توپخانه (جمهوری)، حدفاصل میدان دانشسرا تا خیابان فردوسی، بخش جنوبی عالی‌قاپو تخریب گردید و بازار شیشه‌گرخانه از راستهٔ پشت بازار امیر جدا شد (رنجبر فخری، ۱۳۹۲: ۲۳). با ساختِ خیابان‌های جدید عملاً ارتباط بازارچه‌هایی چون کهنه،

رنگی (رهلی بازار)، شیشه‌گرخانه، پشت حرمخانه و دروازه گجیل با بازار اصلی قطع شد. البته در دو سمت خیابان‌های جدید مثل فردوسی مغازه‌ها و مسافرخانه‌هایی ساخته شد.

## ۳-۳- خیابان‌ها و میادین نوساز

خیابان یکی از فضاهای شهری است که تاریخی به قدمت شهرها دارد. خیابان‌ها محلی برای مشاغل مختلف، عبور و مرور وسایل نقلیه و سرانجام مکانی برای نمایش قدرت حاکم نیز بوده است. ورود اتومبیل نیز به عرصهٔ عمومی شهرها و برقراری نظم و امنیت باعث شد که قانون تعریض معابر و احداث خیابان‌ها (مصوب ۱۳۱۲) از درون بافت کهن تصویب شود. نخستین و بارزترین تحول در سیمای کالبدی شهر تبریز در دورهٔ رضاشاه، احداث خیابان‌های عریض و مستقیم بود. اولین اقدام در این عرصه، احداث خیابان پهلوی تبریز (امام خمینی فعلی) بود که در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۰۰–۱۳۰۵ به فرمان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان انجام گرفت. این خیابان به‌عنوان مسیر ارتباطی میان جاده تهران– تبریز و تبریز– مراغه از حوالی چهارراه منصور (بهشتی فعلی) تا میدان «قونقا» روبروی باغ گلستان کشیده شد (صفامنش و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۵). مهم‌ترین اقدام عمرانی بلدیه احداث همین خیابان پهلوی بود که دیگر عناصر شهری را تحت تأثیر خود قرار داد و کم‌کم مغازه‌ها، مساجد، بانک‌ها، دفاتر شرکت‌ها و مدارس در دو سوی آن جای گرفتند.

احداث دیگر خیابان‌های تبریز با یک شیوهٔ ساده و مستقیم و برای تسهیل دسترسی میان نقاط مختلف عملیاتی شد. محورهای خیابان‌ها با استفاده از گذرها و معابر قبلی شکل گرفتند. این امر در شکل‌گیری خیابان‌های منصور، خاقانی، فردوسی و تربیت مؤثر بود. نکتهٔ مهم دیگر در ایجاد خیابان‌ها در مرتبط ساختن مراکز شهری و تأمین دسترسی به آن‌هاست. به‌عنوان‌مثال خیابان شاهپور (ارتش فعلی) پادگان را به مراکز اداری–سیاسی وصل کرد. خیابان فردوسی ارگ علیشاه، بازار و مراکز اقامتی و خدماتی را به هم مرتبط ساخت؛ هرچند دست‌اندرکاران بلدیه، عبور خیابان از درون بازار سرپوشیده را با اعتراض بازاریان متوقف ساختند. خیابان شاه‌بختی (جمهوری امروزی) نیز با عبور از مقابل عمارت‌های حکومتی، میدان دانشسرا را به بازار وصل کرد. خیابان تربیت هم در مسیر گذر موجود با هدف تسهیل ارتباط میان میدان ساعت و «دیک‌باشی» عمل کرد (همان). در ادامهٔ فعالیت‌های عمرانی

شهری، بلدیه به سال ۱۳۰۶ تصمیم گرفت که خیابان پهلوی را از میدان کریم‌خان (احتمالاً چهارراه منصور) به‌طرف شرق تبریز تسطیح و شوسه نموده و به باغ صاحب‌دیوان (مکان زندان فعلی) متصل کند (تبریز، ش۷۶، س۱۷، ۲۱ /۱۳۰۶/۲، ۴).

به‌هنگام ریاست محمدعلی تربیت بر بلدیه تبریز (آبان ۱۳۰۶ تا فروردین ۱۳۰۹) خیابان‌های جدید متعددی از میان بافت قدیمی کشیده شد. آبان ۱۳۰۷ بلدیه تصمیم گرفت عملیات اتصال خیابان نظامیه (ارتش جنوبی) به خیابان پهلوی (امام خمینی) را شروع کند. همچنین مقرر شد از مقابل باغ ملت (ملی = ارک) خیابانی به بازار امیر و نیز خیابان اهراب به‌طور مستقیم به محلهٔ امیرخیز وصل گردد (اطلاعات، ش۶۲۳، س۳، ۱۳۰۷/۸/۱۵، ۲). در زمان تربیت، برای اولین بار کمیسیون نقشه‌برداری شهر تشکیل شد و نخستین تصمیم آن ایجاد خیابان مستقیم میان پل سنگی و پل منجّم بود (تبریز، ش ۲۹، س۲۰، ۱۳۰۸/۴/۴، ۱). در آن دوره، پروژه‌های دیگر بلدیه از این قرار بود: اتصال خیابان شاهپور (ارتش جنوبی) به میدان توپخانه (شهدای فعلی)، ادامه دادن خیابان منجّم از اهراب تا پل منجّم و خیابان منصور (بهشتی) به‌طرف مارالان. در ادامهٔ این اقدامات شهری، عملیات مسیرگشایی خیابان نوبر (تربیت فعلی) تا خیابان فردوسی و راسته‌کوچه انجام گرفت. علاوه بر آن، عملیات احداث خیابان جدید ششگلان تا پل منجّم شروع شد. شوسه کردن خیابان‌ها و سنگفرش نمودن کوچه‌ها هم ازجمله اقدامات بلدیه در زمان مسئولیت محمدعلی تربیت بود (تبریز، ش ۱۵۴، س۲۰، ۱۳۰۸/۹/۱۶، ۱).

با ریاست ارفع‌الملک جلیلی بر بلدیه تبریز به سال ۱۳۰۹، چند پروژهٔ مسیرگشایی خیابانی در دست اقدام قرار گرفت. مقرر شده بود که خیابان جدیدی از روبروی گمرک و پستخانه قدیم تا «قاری‌کورپی» (پل قاری) و تکیهٔ حیدر امتداد یابد. همچنین عملیات احداث خیابان ششگلان از مغازه‌های مجیدالملک تا خیابان منصور ادامه داشته باشد و یک خیابان نیز از پل سنگی تا پل منجم کشیده شود (تبریز، ش ۱۸، س۲۱، ۱۳۰۹/۳/۶، ۱). بلدیه در اردیبهشت ۱۳۱۲ خیابان مقصودیه را از خیابان پهلوی (دروازهٔ نوبر تا میدان مقصودیه و از آنجا تا بازارچهٔ حاج جبار نایب) و کوچهٔ چرنداب از جلوی سینما ایران تا «قانلی مسجد» را سنگفرش نمود (تبریز، ش۱۴، س۲۴، ۱۳۱۲/۲/۱۰، ۱). در ادامه برای آسفالت خیابان‌ها تصمیم گرفته شد که این کار ابتدا از میدان شاهپور (ساعت) تا باغ گلستان

انجام گردد (تبریز، ش۱۹، س۲۸، ۱۳۱۶/۳/۱۳، ۱). در سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ شهرداری مشغول نقشه‌برداری و احداث دو خیابان شد؛ اولی اتصال خیابان دانشسرا به منصور و دیگری خیابانی از دروازهٔ اهر به میدان پل شاهی خیابان خاقانی بود (اطلاعات، ش۴۶۱۳، س۱۶، ۱۳۲۰/۵/۱۱، ۳). در ادامه اقدامات شهرداری تبریز، خیابان مه‌پیکر طی سال‌های۱۳۰۶ –۱۳۱۰ و بلوار ۴ اردیبهشت (از «قونقا» به‌طرف راه‌آهن) طی سال‌های ۱۳۱۱ –۱۳۱۴ احداث شدند. اتصال خیابان «عالی‌قاپو» (جمهوری) به خیابان فردوسی در ۱۳۱۶ انجام شد (اطلاعات، س۱، ش۱۱۸، ۱۳۱۶/۶/۷، ۲).

به دنبال خیابان‌کشی‌ها و تغییرات کالبدی شهری، مردم آذربایجان و به‌ویژه تبریز بیشترین اعتراضات را در کشور نسبت به تضییع حقوقشان توسط بلدیه ابراز داشتند؛ اعتراضات مردم دربارهٔ تخریب املاک (خانه و مستغلات)، جبران نکردن خسارت یا نپرداختن قیمت املاک، ترسیم غیراصولی نقشه‌های شهری و اعمال نفوذ در آن و تخریب مقابر و بناهای مذهبی بود که طی عرایضی به مجالس ششم، هفتم و هشتم شورای ملی اعلام شد (کمام[۱] ۶/۲۷/۱۶/۵/۳۸۴ : ۱۳۰۶؛ ۷/۱۰۶/۱۵/۴/۱۵۶ :۱۳۰۸). برای حل این مشکلات مجلس با تصویب قانون، بلدیه‌ها را مکلف نمود قیمت املاک معین‌شده را قبل از توسعه و احداث میدان یا خیابان محاسبه نموده و به مالکان بپردازند و در صورت بروز اختلاف میان مالکان و بلدیهٔ شهر، مطابق با مواد و تبصره‌های همین قانون رفتار شود (مذاکرات مجلس، ۲۳ /۱۳۱۲/۸).

به‌نظر می‌رسد ملموس‌ترین نوسازی کالبدی شهری در تبریز دورهٔ رضاشاه را باید احداث خیابان‌های عریض و مستقیم و گاهی غیرمستقیم مانند تربیت دانست که شهر را از وضعیت سنتی به موقعیت امروزی تغییر داد. محلاتی که قبلاً با کوچه‌های باریک و کج با همدیگر ارتباط داشتند در این دوره به‌سهولت مرتبط شدند. نظام حمل‌ونقل شهری در خیابان‌های بزرگ و جدید سرعت یافت. با وجود این خیابان‌ها بخشی از زندگی مردم به فضای جدیدی منتقل شد که اتومبیل‌ها در رفت‌وآمد بودند. احداث همین خیابان‌ها، موجب ظهور کافه و رستوران و ویترین مغازه‌ها و تغییر فضای عمومی شهر نیز شدند.

۱ – کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مفهوم میدان در دورهٔ پهلوی نسبت به دورهٔ قاجار و قبل از آن، متفاوت بود. در عصر قبل از پهلوی، میدان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای حکومتی و عمومی شهر محسوب می‌شد. در بسیاری از محله‌های بزرگ در یک محوطهٔ باز، دکان‌ها در کنار هم ردیف شده و اکثراً دارای مسجد و برخی حمام هم بودند. برای نمونه می‌توان به میادین صاحب‌الامر، انگج، ویجویه، مقصودیه، سرویجویه، قبرستان کوچک، مسجد و قطب اشاره نمود (سلطان‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۳)؛ اما منظور از میدان در این بحث، فضای دایره‌ای کوچکی به نام فلکه است که در اثر به‌هم رسیدنِ دو یا چند خیابان برای سهولت تردد وسایل نقلیه ایجاد شد. فلکه دارای یک مرکز ثقل کالبدی است که معمولاً در آن محل، مجسمه‌ای نصب می‌شد و دارای فضای سبز یا آب‌نما بود. میادین بیشتر دایره‌ای‌شکل بودند مثل میدان ساعت یا دانشسرا یا میدان‌های اطراف باغ گلستان تبریزکه معمولاً اطراف آن‌ها را ساختمان‌های دوطبقه احاطه کرده بود. به‌هنگام احداث خیابان شاهپور و در تقاطع خیابان پهلوی قرار شده بود که میدان مدوّری ساخته شود که بعد از چند سال با احداث ساختمان شهرداری و تعبیه ساعت بر برج آن، میدان به نام ساعت و به‌عنوان مرکز شهر مشهور شد (تبریز، ش ۱۵۴، س۲۰، ۱۳۰۸/۹/۱۶، ۱). معماری ساختمان شهرداری تبریز متأثر از نوعِ آلمانیِ معماری مدرن است که بر تقارن استوار بود. در دههٔ دوم سلطنت رضاشاه، حضور و نفوذ مهندسان آلمانی در طرح‌های فنی و عمرانی ایران قابل‌ملاحظه بود. طی سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ با احداث بخش شمالی خیابان شاهپور از میدان شهرداری تا محل برخورد با خیابان شاه‌بختی مقابل دارالحکومه، میدانی به نام توپخانه قدیم شکل گرفت که بعداً نام قیام (بعد از کودتای ۱۳۳۲) و شهدای فعلی نام گرفت (مشکور، ۱۳۵۲: ۲۶۷).

از روزگاران گذشته در محلات مختلف تبریز گورستان‌های متعددی وجود داشت. از مشهورترین قبرستان‌های تاریخی تبریز می‌توان به نوبر، گجیل، سیدحمزه، شتربان، اهراب، لیل‌آباد، حکم‌آباد، باغمیشه و ولیانکوه اشاره نمود[۱] با توسعه شهر و قرار گرفتن این

۱ – برای آگاهی بیشتر از گورستان‌ها و مزارات تاریخی تبریز ر.ک : حافظ حسین کربلائی تبریزی، *روضات‌الجنان و جنات‌الجنان*، مقدمه و تکمله و تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرائی، به سعی و اهتمام محمدامین سلطان‌القرائی، ۲جلد، تبریز، نشر ستوده، ۱۳۸۳؛ ملا محمدامین حشری تبریزی، *روضه‌الاطهار*، تصحیح و اهتمام عزیز دولت‌آبادی، تبریز، نشر ستوده، ۱۳۷۱؛ نادرمیرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز، نشر ستوده، ۱۳۷۳؛ محمدکاظم بن محمد تبریزی (اسرار علی‌شاه)، *منظرالاولیاء* (در مزارات تبریز و حومه)، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۸۸ و سید محمدرضا بن سید محمدصادق طباطبایی تبریزی، *تاریخ اولاد الاطهار*، به کوشش محمد الوانساز خویی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۸۹.

قبرستان‌ها در درون شهر، بلدیه به ساکنین محلات اخطار نمود که برای انتقال آن‌ها به بیرون از شهر و دفن اموات آن محله در مکان جدید اقدام کنند (تبریز، ش۱۹۶، س۲۰، ۱۳۰۸/۱۱/۱۶، ۱) در زمان ریاست تربیت بر شهرداری تبریز، گورستان گجیل که محل دفن بزرگان و عرفای نام‌آور تبریز بود تخریب شد. لوح و سنگ قبور موجود در آن‌جا به فروش رفت. این عمل با اعتراض شدید مردم مواجه شد اما دولت به کار خویش ادامه داد.[۱] شهرداری محل این گورستان را به تفرجگاه عمومی تبدیل کرد و باغ گلستان نام‌گذاری نمود. در احداث این باغ می‌توان به تأثیرپذیری از الگوی معماری باغ ایرانی اشاره کرد که وجود حوض آب مرکزی یکی از مشخصه‌های آن است. در چهار گوشهٔ این باغ چهار میدان ایجاد کردند و مقرر گردید در صورت تصویب وزارت داخله در هر کدام از میادین، مجسمهٔ یکی از پادشاهان نامدار گذشته (شاه‌عباس و داریوش و نادر) را برپا کنند (اطلاعات، ش۱۸۱۹، س۱۱،۷/۱۱/۱۳۱۱، ۲). در محل تقاطع خیابان پهلوی و ملل متحد، میدانی به نام سیرک ساخته شد که بعدها با نصب مجسمهٔ شاه‌عباس به میدان شاه‌عباس معروف شد. در محل تقاطع خیابان‌های پهلوی، منجّم و خیام نیز میدان قونقا احداث شد (مشکور، ۱۳۵۲: ۲۶۶). البته میادین دیگری که در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۰ در تبریز ایجاد شدند عبارت‌اند از: دانشسرا، راه‌آهن، ملل متحد، نادری، رضاپهلوی، شمس تبریز (همان، ۲۷۲). در دورهٔ ارفع‌الملک جلیلی در محل گورستان متروک نوبر، ساختمان شهرداری بنا گردید. قبل از این، ساختمان بلدیه در محل دارالحکومه دایر بود اما ارفع‌الملک از محل صرفه‌جویی بودجه تعریض مهران‌رود، پی‌کَنی عمارت بلدیه (ساعت) را در خرداد ۱۳۱۴ آغاز نمود (اطلاعات، ش۲۵۰۶، س۹، ۱۳۱۴/۳/۲۰، ۳). اسامی قبلی و فعلی فضاهای شهری تبریز در جدول زیر ارائه می‌شود:

۱ – تحشیهٔ مصحح کتاب *روضه اطهار* محمدامین حشری تبریزی، عزیز دولت‌آبادی، ص۱۹۴.

**جدول ۱. اسامی قبلی و فعلی فضاها و عناصر شهری تبریز**

| فضاها و عناصر شهری | اسامی قبلی | اسامی فعلی | فضاها و عناصر شهری | اسامی قبلی | اسامی فعلی |
|---|---|---|---|---|---|
| **خیابان** | پهلوی | امام خمینی | **خیابان** | خاقانی | خاقانی |
| **خیابان** | شاهپور | ارتش | **خیابان** | فردوسی | فردوسی |
| **خیابان** | مه پیکر | دانشگاه | **خیابان** | حجتی | استاد جعفری |
| **خیابان** | گازران | خیام | **خیابان** | شاهی | قاری کورپوسی |
| **خیابان** | ثریا | مارالان(منتظری) | **بلوار** | ۶ بهمن، دانشگاه | ۲۹ بهمن |
| **خیابان** | شهناز | شریعتی | **بلوار** | ۴ اردیبهشت، رضا پهلوی | ۲۲ بهمن |
| **خیابان** | فرح | عباسی | **میدان/ فلکه** | رضا پهلوی | ایستگاه راه آهن |
| **خیابان** | منصور | بهشتی | **میدان/ فلکه** | دانشگاه | جانبازان |
| **خیابان** | شاه | طالقانی | **میدان/ فلکه** | دانشسرا | دانشسرا |
| **خیابان** | چای کنار | طباطبایی | **میدان/ فلکه** | توپخانه، شهربانی، قیام ۲۸ مرداد | شهدا |
| **خیابان** | ملل متحد | فلسطین | **میدان/ فلکه** | شاهپور | ساعت |
| **خیابان** | منجم | نیروی هوایی | **مسیل رودخانه** | میدان چایی | مهران رود |
| **خیابان** | قره آغاج | قدس | **باغ** | صاحبدیوان | راهنمایی، زندان |
| **خیابان** | شاه بختی | جمهوری اسلامی | **پل** | شاهی | قاری کورپوسی |

(ماخذ: نگارنده، براساس نقشه‌های قبلی و فعلی تبریز و گزارش‌های مطبوعات آن دوره)

## ۳-٤- بلوک شهری پاساژ

بلوک شهری پاساژ در حدفاصل خیابان‌های پهلوی (امام خمینی)، شهناز (شریعتی شمالی)، امین (محققی) و ملل متحد (فلسطین) و در محلهٔ میارمیار (مهادمهین) قرار دارد. «سفرای دول فرنگ و عثمانی در این کوی باشند... اکنون در این شهر چهار دارالسّفاره است» (نادرمیرزا، ۱۳۷۳: ۸۸). استقرار کلیسا و کنسولگری‌ها، دو مدرسهٔ خارجی آمریکایی، فرانسوی و شماری از فروشگاه‌ها، همراه با رفت‌وآمد خارجی‌ها ویژگی خاصی به این بخش

از شهر داده بود چنان‌که به پاریس کوچک معروف شده بود. این بخش شهر تحت تأثیر گذرهای شرقی اروپایی که در هسته‌های تاریخی شهرهای اروپایی به‌فراوانی دیده می‌شود، یا دست‌کم تحت‌تأثیر ترجمان شرقی‌شدهٔ این معماری به گونه‌ای که در شهرهایی مانند باکو، تفلیس یا استانبول وجود داشت، شکل گرفت. به‌واسطهٔ استقرار کلیسای کاتولیک و رفت‌وآمد روزانهٔ اتباع فرانسه و تکرار واژه‌های فرنگی در فضای محله بود که نام پاساژ بر روی کوچهٔ پستخانه قدیم تثبیت شد (صفامنش و همکاران، ۱۳۷۶: ۷۳-۷۹). موقعیت این گذر با نزدیکی به بازار و ارگ حکومتی و سکونت جماعتی از ارامنه و آسوری‌ها در سال‌های عصر رضاشاه اهمیت دوچندانی به آن بخشیده بود. با احداث خیابان پهلوی، بلوک به آن متصل شد که این امر مهم‌ترین تحول کالبدی پاساژ به شمار می‌آید. گراندهتل در شرق و سینما وطن در غرب ورودی بلوک از سمت خیابان ساخته شد. همچنین در برِ شمالی خیابان پهلوی، هتل پارک و مجموعه تجاری و مسافرخانه جهان‌نما، مسافرخانه لوکس کارون و در برِ جنوبی نیز مسافرخانه و هتل رامسر ساخته شد (همان، ۸۲). بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از بسته شدن کنسولگری‌ها و مهاجرت خارجی‌ها این بخش از شهر سیر قهقرایی خود را آغاز نمود.

### ۳-۵- میدان‌چایی (مهران‌رود فعلی)

«میدان‌چایی» مسیل رودخانه‌ای بود که آب آن از کوه‌های اطراف به‌سوی تبریز سرازیر می‌گردید. معمولاً در فصول پربارش، طغیان رودخانه موجب آسیب به ابنیهٔ جانبی مسیل می‌شد. سیل تیر ۱۳۰۸ موجب تخریب خانه، کاروانسرا و دکان‌های مردم شد (اطلاعات، س۳، ش۷۸۲، ۱۳۰۸/۳/۱۵، ۲). بر اثر سیل مهیب مرداد ۱۳۱۳، آب با حجم خیلی بیشتری نسبت به قبل، از شرق تبریز وارد شهر شد. ابنیه و حیاط عالی‌قاپو و ادارات نظمیه، بلدیه، عدلیه، مالیه، معارف، دخانیات، سجل احوال، نظام وظیفه، کاروانسرا و بازار امیر را آب فرا گرفت (ساکما، ۲۴۰/۸۲۲۰۹). تیرهای تلفن، چراغ برق و تلگراف به زمین افتاد و شهر در تاریکی فرو رفت و ارتباط مردم با همدیگر قطع شد. در حدود ۱۵۰۰ منزل اطراف رودخانه آسیب دید و یا تخریب شد. برای به‌سامان نمودن اوضاع شهر، میان وزارت داخله و مالیه و شهرداری تبریز، قراردادی منعقد شد که دومیلیون ریال وام از طرف بانک ملی، جهت

تکمیل سدسازی و دیوارهای جانبی مسیل میدان‌چایی در اختیار بلدیه قرار گیرد (ساکما، ۱۴۶۳۴ /۲۴۰؛ تبریز، ش۵۵، س۲۵، ۱۳۱۳/۵/۲۵، ۱). همچنین دولت مقرر کرد که جمعیت شیروخورشید سرخ به سیل‌زدگان امدادرسانی کند و از محل اعتبارات دولتی، مخارج مربوط به چای و قند شهروندان آسیب‌دیده پرداخت شود (ساکما، ۳۱۰/۴۰۶۲۷: ۱۳۱۳).

برای حل مشکل سیل و جلوگیری از آسیب‌های بیشتر، در شهریور ۱۳۱۳ تصمیم گرفته شد که عرض مجرای رودخانه از ۳۶ متر کمتر نباشد و در دو طرف مجرا دو خیابان به عرض ۶ متر احداث شود (تبریز، ش۶۸، س۲۵، ۱۳۱۳/۶/۲۵، ۱). به‌همین‌خاطر، خانه‌های اطراف میدان‌چایی از طرف شهرداری خریداری و به حریم رودخانه الحاق شد. همچنین شهرداری برای برقراری ارتباط میان دو طرف رودخانه، احداث سه دهنه پل به نام‌های سنگی، شاهی و بازار کفشدوزها را با بتون‌آرمه به مناقصه گذاشت (تبریز، شماره ۲۶، س ۲۷، ۱۳۱۵/۴/۲۸، ۱). ساختِ سه پل شاهی (قاری کورپوسی)، پل اسلامبول (دروازه اسلامبول) و پل بازار (در امتداد خیابان فردوسی)، از دیگر طرح‌های شهرداری بود که برای تسهیل ارتباط و دسترسی مردم بین دو طرف میدان‌چایی در نظر گرفته شده بود (اطلاعات، س۱۱، ش۵، ۱۳۱۶/۳/۲۴، ۲). به‌واقع احداث پل‌ها، خیابان‌ها و دیوارهای جانبی مسیل مهران‌رود یکی از ماندگارترین اقداماتی بود که ارفع‌الملک به‌هنگام ریاست بر بلدیه تبریز انجام داد.

### ۳-۶- مراکز خدماتی

تأسیس سینما در آذربایجان دارای سابقهٔ ممتدی است. نخستین سالن سینما در تبریز، به نام «سولی» بود که به‌سال ۱۲۹۱ش افتتاح شد (مشکور، ۱۳۵۲: ۳۷۶)؛ اما به نظر یکی از مطلعین، سینما سولی یا آفتاب که فیلم‌های صامت پخش می‌کرد به سال۱۲۹۰ش، در خیابان پهلوی و طبقهٔ بالای چند مغازهٔ بلوک پاساژ دایر شده بود. همچنین در سال ۱۳۰۵ مجهزترین سینمای آن زمان با نام ایران افتتاح شد. چندین سینمای دیگر نیز به نام‌های پاته (خروس)، منصور، شیروخورشید و دو سینمای تابستانی باغ ملی و باغ گلستان فعالیت‌شان را آغاز کردند اما بعد از مدتی تعطیل شدند (هاشمی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۲۵). سینما مولن‌روژ در پشت مسافرخانه لوکس کارون ساخته شده بود که بعدها در اثر آتش‌سوزی ویران شد (صفامنش و همکاران، ۱۳۷۶: ۸۲). سینما ششگلان در خیابان منصور (۱۳۰۹) و

سینمای وطن (۱۳۰۷) در غرب ورودی بلوک پاساژ در زمان ریاست تربیت بر بلدیه گشایش یافت (تبریز، ش۱۰۰، س ۱۹، ۱۳۰۷/۱۱/۲۲، ۱؛ تبریز، ش۸، س۲۱، ۱۳۰۹/۲/۲۴، ۱). همچنین در بهمن ۱۳۱۱ سینما ایران جدید در خیابان پهلوی نزدیک باغ گلستان گشایش یافت (سهند، ش۲۴-۷۱۲، س۷، ۱۳۱۱/۱۱/۱۰، ۱). سالن تئاتر شیروخورشید در عصر والی‌گری طهماسبی در تبریز (۱۳۰۶) به‌وسیله مهندسان روسی طراحی و بنا گردید (ساکما، ۹۵/۲۶۴/۵۱۲). در ۱۳۰۵ محوطه پیرامون ارگ علیشاه به باغ ملی و گردشگاه عمومی تبدیل شد و سال‌های بعد در بخشی از زمین‌های محوطه ارگ، بیمارستان شیروخورشید سرخ، سالن تئاتر، کتابخانه و دبیرستان ساخته شد (اطلاعات، ش۴۷۸، س۳، ۱۳۰۷/۲/۱۰، ۳). به سال ۱۳۱۶ دو سینمای همای در خیابان پهلوی و میهن در محله پاساژ به‌راه افتادند. همچنین در سال ۱۳۱۸ نیز سینما دیده‌بان شروع به کار نمود (هاشمی‌پور، همان).

ساختِ هتل به مفهوم امروزین در تبریز از دورهٔ رضاشاه شروع شد؛ اما احداث گراندهتل از اواخر دوره قاجار آغاز شده بود. هتل‌های متروپل و جهان‌نما هر دو در خیابان پهلوی و جهان در اولِ کوچه ارک، پالاس و هتل نو جزو هتل‌های ساخته‌شده در آن دوره بود (ستارزاده، ۱۳۸۶: ۲۹۵).

تا قبل از دورهٔ رضاشاه مردم شهرها از خزینه‌های عمومی برای استحمام استفاده می‌نمودند؛ اما در زمان رضاشاه، شهرداری تبریز مالکین حمام‌ها را مکلف نمود که تا آخر اردیبهشت ۱۳۱۵ وضعیت حمام‌های خود را با سه درجهٔ زیر منطبق سازند: حمام‌های درجه‌یک فقط دوش خواهند داشت. درجه‌دو خزینه خواهد بود که به‌واسطه محجر پوشیده شده و فقط با شیر آب از آن استفاده خواهد شد. حمام‌های درجه‌سه نیز همانند درجه‌دو هستند منتها با حوضچه‌هایی از آن متمایز خواهند شد (تبریز، ش ۱۰۴، س ۲۶، ۱۳۱۴/۱۱/۱۲، ۱).

با امضای قرارداد میان ایران و بانک استقراضی روسیه، مراحل ساختِ خط راه‌آهن آذربایجان در ماه مه ۱۹۱۴ دو ماه پیش از آغاز جنگ جهانی اول شروع شد. در اسفند ۱۲۹۳ قطار وارد شهر تبریز شد. آیین گشایش راه‌آهن آذربایجان با حضور ولیعهد ایران (محمدحسن‌میرزای قاجار) و نمایندهٔ قشون روس در ۶ ماه مه ۱۹۱۶ [۱۲۹۵/۲/۱۶ش]

برگزار شد (ترسکینسکی، ۱۳۲۶: ۴۱). در فاصلهٔ تبریز تا جلفا به طول ۱۳۶ کیلومتر قطارها اقدام به حمل کالا می‌کردند. در کنار آن، خط فرعی صوفیان – شرفخانه به طول ۴۸ کیلومتر هم مورد استفاده مردم بود. این خطآهن طبق شرایط معاهده سال ۱۹۲۱ از طرف دولت شوروی به ایران واگذار شد (لینگمن، ۱۳۹۵: ۷۳ و ۱۰۴). «واغزال» نام روسی ایستگاه راه‌آهن تبریز بود که با سرمایه بانک استقراضی روس احداث شده بود (سهند، ش۱۲، ۱۳۰۵/۸/۲۶، ص۲). شرکت سازندهٔ راه‌آهن تبریز در نظر داشت ایستگاه را در محل فعلی باغ گلستان بسازد ولی برای رسیدن به این مکان، ریل راه‌آهن باید از زمین‌های حاصلخیز عبور می‌کرد و خریداری این مزارع هزینهٔ زیادی داشت. شرکت برای صرفه‌جویی مجبور شد محل ایستگاه را در ۴/۵ کیلومتری غرب تبریز انتخاب نماید. به همین منظور خیابان جدیدی از شهر به ایستگاه احداث نمود و برای حمل‌ونقل مسافرین هم تراموای اسبی ایجاد کرد (ترسکینسکی، ۱۳۲۶: ۴۶). با اتصال این خیابان به ایستگاه راه‌آهن قریه‌های خطیب، لاله و محله شنب‌غازان هرچه بیشتر به بافت مرکزی شهر نزدیک‌تر شده و در واقع شهر تبریز به‌سمت مغرب گسترش یافت. دولت رضاشاه در ادامه کارهای عمرانی عملیات احداث خط راه‌آهن تهران به تبریز را از آذرماه ۱۳۱۷ آغاز نمود (سهند، ش۱۱–۱۸۷۳، س۱۳، ۱۳۱۷/۹/۲۰، ص۴).

## نتیجه

آغاز سلسلهٔ پهلوی، عرصهٔ برآمدن شبه‌مدرنیسم دولتی بود که با مؤلفه‌هایی چون گسترش و نوسازی، تمرکزگرایی و بوروکراسی همراه بود. در این حکومت دگرگونی شهر به‌عنوان بستر تحولات اجتماعی‌سیاسی، در اولویت سامان‌دهی قرار گرفت؛ شهری که می‌بایست نمادی از انقطاع عصر جدید با عصر قدیم باشد. اگر در دورهٔ قاجار، درهم‌آمیختگی مفاهیم غرب و شرق با تفوق شرق پایان پذیرفت، در دولت پهلوی، نوسازی شهری با غلبهٔ تفکر غربی همراه شد. ایجاد ساختمان‌ها با معماری جدید، خیابان‌های عریض، محله‌های نو و انهدام بافت‌های قدیمی توسط رضاشاه به «تمدن بولواری» معروف شد. کم‌رنگ شدن نقش محلات در تحولات اجتماعی‌سیاسی شهرها نمونهٔ بارزی از تأثیر شهرسازی این عصر به‌شمار می‌آید. مدرنیته در ایران مدت‌ها به یکی دو نشانه محدود ماند: دیوارهای قدیمی را

خراب کردند تا دیوارهای زیباتر به‌جای آن‌ها بسازند و نیز عناصر و فضاهای شهری جدید ازجمله ادارات و بانک‌ها، ایستگاه راه‌آهن، خیابان‌های اتومبیل‌رو، چهارراه و فلکه‌ها، دانشگاه و کتابخانه‌ها، هتل‌ها، صنایع، حمام‌ها، مدارس نوین و بیمارستان پدید آمدند. نوسازی‌های شتاب‌زده عمرانی و عدم کارایی مسئولین به شکل‌گیری شهرهایی انجامید که در تأمین نیازهای اصلی شهروندان ناتوان بودند. به تعبیرِ الول ساتن، اقدامات نوسازگرایانه رضاشاه، رویِ ایران را بیش از روحش عوض کرد. اصلاح وضع ظاهری شهرها بیشتر از لوازم ضروری مردم مورد توجه قرار گرفت. نحوهٔ انجام اصلاحات شهری بی‌قاعده، سطحی و نامنظم بود. با پررنگ شدن نقش بلدیه، شهر به‌سوی دولتی شدن پیش رفت و نیروهای اجتماعی جایگاه و مشارکت چندانی در امور شهری نداشتند. شهرسازی تبریز به‌صورت نامنسجم و درهم‌گسیخته به احداث فلکه‌ها و خیابان‌های مدرن و صلیبی ختم شد. بخشی از بازار تاریخی ازبین رفت و بافتِ قدیمی و سنتی شهر به‌هم ریخت. کاخ‌های موجود در باغشمال، دارالحکومه و حرمخانه نیز نابود شدند. هرچند اقدامات دیگری چون ساختِ پل‌ها روی میدان‌چایی و تعریض مسیل آن، حذف گورستان‌ها از درون شهر، سنگفرش نمودن و درختکاری خیابان‌ها و توسعهٔ شاه‌گؤلی، احداث عمارت‌های دانشسرا و شهرداری، قرائتخانه، هتل، سینما و باغ گلستان نیز صورت گرفت. به‌عبارتی وضعیت کالبدی فعلی تبریز بر بستر اقداماتی است که در دورهٔ رضاشاه و بعد از وی صورت گرفته است.

## منابع

### اسناد مراکز آرشیوی


- سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران (***ساکما***)
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (***کمام***)
- ***مذاکرات مجلس شورای ملی*** (۱۳۱۲/۸/۲۳)، دوره نهم.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری (***مارجا***)


### روزنامه‌ها


- ***اطلاعات***، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰–۱۳۱۱، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۸، ۱۳۲۰.
- ***انجمن تبریز***، سال اول.
- ***تبریز***، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶.
- ***سهند***، ۱۳۱۱.
- ***شاهین***، ۱۳۱۳.


### کتب و مقالات


- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، ***تاریخ ایران مدرن***، مترجم محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی.
- اطهاری، کمال (۱۳۷۶)، «تهران: مدنیت گم‌گشته»، ***مجله معماری‌وشهرسازی***، ش۳۶–۳۷.
- اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷)، ***مرآت‌البلدان***، تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، ج۱، دانشگاه تهران.
- اهلرز، اکارت؛ محمدحسن ضیا توانا؛ مصطفی مؤمنی ( بهار ۱۳۷۳)، «شهر شرق اسلامی مدل و واقعیت»، ***تحقیقات جغرافیایی***، ش۳۲.
- اوبن، اوژن (۱۳۹۱)، ***ایران امروز***، ترجمه علی‌اصغرسعیدی، تهران، علم.

- برمن، مارشال (۱۳۹۲)، ***تجربهٔ مدرنیته***، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، طرح نو.
- -پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۴)، ***سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۱) از آرمان تا واقعیت***، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پورحسین خونیق، ابراهیم (۱۳۹۳)، ***بناها و عمارت‌های تاریخی تبریز***، تبریز، اختر.
- تبریزی، محمدکاظم بن محمد (اسرارعلی‌شاه) (۱۳۸۸)، ***منظرالاولیاء (در مزارات تبریز و حومه)***، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- ترسکینسکی، اناتول (۱۳۲۶)، ***تاریخچه مختصر راه‌آهن ایران***، ترجمه؟، تهران، بنگاه راه‌آهن دولتی ایران.
- جابری مقدم، مرتضی‌هادی (۱۳۸۶)، ***شهر و مدرنیته***، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جهانگیرمیرزا (۱۳۲۷)، ***تاریخ نو***، به‌کوشش عباس اقبال، تهران، علمی.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۳)، «مدرنیسم، شهر، دانشگاه (دومین‌پژواک‌مدرنیته در ایران).»، ***گفتگو***، ش۵.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۳)، «نخستین پژواک مدرنیته در ایران»، ***گفتگو***، شماره ۳.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۰)، ***شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳***، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۵)، ***از شار تا شهر***، دانشگاه تهران.
- حبیبی، محسن و مرتضی‌هادی جابری‌مقدم (۱۳۸۴)، «شهرگرایی و شهرسازی شتابزده؛ الگوی فاوستی توسعه»، ***هنرهای زیبا***، ش ۲۱.
- حشری تبریزی، ملامحمدامین (۱۳۷۱)، ***روضه اطهار (مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع)***، به تصحیح و اهتمام عزیز دولت آبادی، تبریز، ستوده.
- رنجبرفخری، محمود (۱۳۹۲)، ***بازار بزرگ تبریز و بازارچه‌های پیرامونی آن در دویست سال اخیر***، تهران، بنیاد ایران‌شناسی.

- ساتن، الول (۱۳۴۶)، ***ایران نو***، ترجمه عبدالعظیم صبوری، تهران، علمی.
- ستارزاده، داریوش (۱۳۸۶)، «***تأثیر تجدد در تحول شکل‌گیری فضاهای شهری ایران مطالعه موردی: فضاهای شهری تبریز در دورهٔ رضاشاه***»، رساله دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- شاردن (۱۳۷۴)، ***سفرنامه شاردن***، ترجمه اقبال یغمایی، ج۲، تهران، توس.
- شهری، جعفر (۱۳۷۸)، ***تهران در قرن سیزدهم***، ج۵، تهران، رسا.
- صفامنش، کامران؛ رشتچیان، یعقوب؛ منادی‌زاده، بهروز (۱۳۷۶)، «ساختار کالبدی شهر تبریز وتحولات آن در دو سدهٔ اخیر»، ***گفتگو***، ش۱۸.
- صفامنش، کامران؛ منادی‌زاده، بهروز (۱۳۷۸)، «***تحولات معماری و شهرسازی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۹ش***»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، میراث فرهنگی کشور.
- طباطبایی تبریزی، سید محمدرضا بن سید محمدصادق (۱۳۸۹)، ***تاریخ اولاد الاطهار***، به کوشش محمد الوانساز خویی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- فخاری تهرانی، فرهاد؛ پارسی، فرامرز؛ بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵)، ***بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز***، شرکت عمران شهری ایران، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، ***انسان‌شناسی شهری***، تهران، نی.
- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۱)، ***آثار باستانی آذربایجان***، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی.
- ***کتابچه قانون بلدیه***، (۱۳۲۵)، مطبعهٔ شاهنشاهی قاجار، بی‌جا.
- کربلائی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳)، ***روضات‌الجنان و جنات‌الجنان***، مقدمه و تکمله و تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرائی، به سعی و اهتمام محمدامین سلطان‌القرائی، ۲ جلد، تبریز، نشر ستوده.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، ***ایران و قضیهٔ ایران***، ج۱، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.

- کسروی، احمد (۱۳۸۱)، ***تاریخ مشروطه ایران***، تهران، امیرکبیر.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۶)، ***معماری دورهٔ رضاشاه***، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۶)، ***تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران***، ج ۲ و ۳، دانشگاه تهران.
- محمدزاده، رحمت (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی توسعه شبکه ارتباطی سنتی و جدید در بافت قدیم شهر تبریز»، ***نشریه علمی و پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران***، شماره ۱۰.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۲)، ***اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ش)***، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ۲ ج، تهران، وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲)، ***تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری***، تهران، انجمن آثار ملّی.
- نادرمیرزا (۱۳۷۳)، ***تاریخ و جغرافی دارالسلطنهٔ تبریز***، مقدمه تصحیح و تحشیه: غلامرضا طباطبایی‌مجد، تبریز، ستوده.
- نظام‌السلطنه‌مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۱)، ***خاطرات و اسناد***، به کوشش معصومه نظام‌مافی و دیگران، ج ۲ و ۳، تهران، نشر تاریخ ایران.
- هاشمی، فضل‌الله (۱۳۴۵)، «***تاریخچه تأسیس و رشد شهرداری در ایران***»، سالنامه شهرداری‌ها، انتشارات اتحادیه شهرداری‌های ایران.
- هاشمی‌پور، منوچهر (زمستان ۱۳۹۸)، «تاریخ سینماهای تبریز»، ***هنر و اقتصاد***، ش۵.
- ویلبر، دونالد (۱۳۴۸)، ***باغ‌های ایران و کوشک‌های آن***، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، ترجمه‌ونشرکتاب.
- یزدانی، محمدحسن و احمد پوراحمد (۱۳۸۶)، «تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی – اسلامی، نمونه تبریز»، ***تحقیقات جغرافیایی***، ش ۸۴، ۱۳۸۶.

- Banani Amin, (1961) **,The Modernization of Iran 1921-1941**, Stanford: Stanford University press **.**

- Ehlers, Eckart & Willem Floor, (2007) "Urban Change in Iran 1920-1941"**, Iranian Studies**, Volume 26 , Issue 3-4 , Published Online 24 Feb 2007.

- Madanipour ,Ali,(2006) "Urban planning and development in Tehran" , **Cities** , volume 23, Issue 6.

- Ziari, Karamatollah (2006) "The Planning And Functioning Of New Towns In Iran ", **Cities** , Volume 23 , Issue 6.

–

## پیوست‌ها

**تصویر ۱: نقشه دارالسلطنه تبریز، ۱۳۲۷ق.(اسدالله مراغه‌ای)، (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵: ٦٥)**

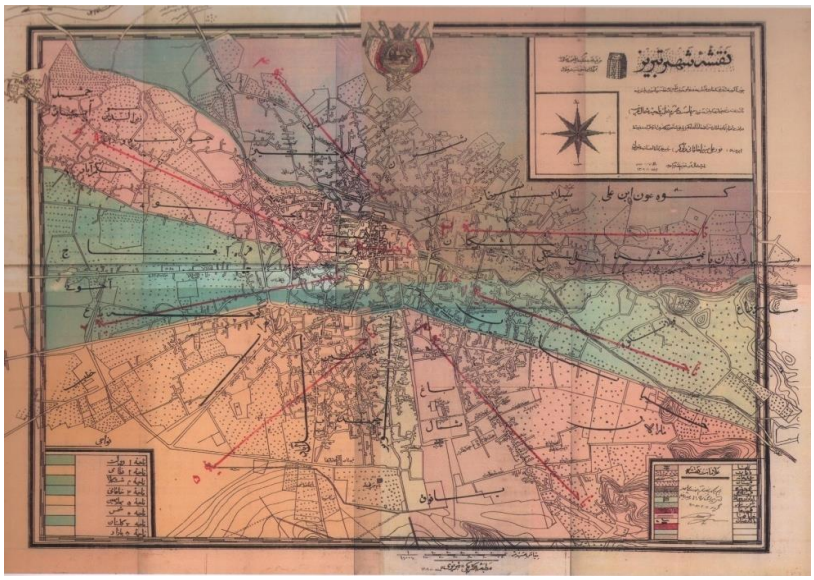

**تصویر۲: نقشه تبریز در سال ۱۳۰۹ش.(فخاری تهرانی و همکاران،۱۳۸۵: ۸۳)**

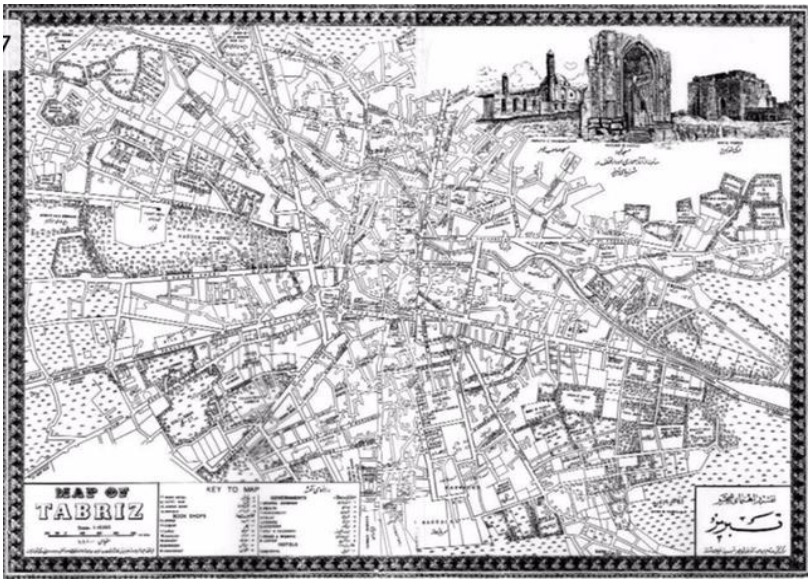


**تصویر۳: نقشه تبریز، (فخاری تهرانی و همکاران،۱۳۸۵: ۸۸)**